

## تأثیر بحران نقره بر اقتصاد غزنویان

سجاد کاظمی<sup>۱</sup>

علی بحرانی‌پور<sup>۲</sup>

لیدا مودت<sup>۳</sup>

### چکیده

یکی از مهم‌ترین منابع مالی اقتصاد غزنویان در دوره متقدم، یعنی از بدو استقرار غلامان به رهبری آلبتکین و سبکتکین در شهر غزنه (۳۵۱ق) تا پایان حکومت سلطان محمود (۴۲۱ق) اتکا بر نظام غنائیم بود که پشتوانه اصلی ضرب سکه‌های مرغوب بود؛ اما از دوره سلطان مسعود (۴۳۲-۴۲۱ق) با پیشامد بحران نقره مواجه شدند که طی آن ارزش پول رایج کاهش یافته و همچنین از تعداد ضرب مسکوکات با عیار بالا نیز کاسته شد. از این‌رو سلاطین متأخر غزنوی برای تأمین هزینه‌های جاری و لشکری خویش به درآمدهای سهل‌الوصول دیگری روی آوردند. سؤال اصلی این است که بحران نقره چه تأثیری بر تطور منابع درآمدی غزنویان داشته‌است؟ فرض این است که بحران نقره به‌واسطه کاهش عیار مسکوکات و کمبود آن در تجهیز سپاهیان سبب تطور منابع درآمدی غزنویان از نظام غنائیم در جهت وابستگی بیشتر به عواید نظام مالیاتی گردید. روش مورد استفاده در این تحقیق، توصیفی تحلیلی است که بر پایه شواهد کیفی و کمی و مطالعه سکه‌شناسی استوار است. نتایج نشان می‌دهد که کاهش فتوحات در هند، هزینه‌های ناشی از اختلافات جانشینی و هزینه‌های هنگفت در امور غیرمولد، دولت غزنویان را با بحران نقره مواجه نمود و به تبع آن سلاطین غزنوی برای جبران منابع مالی ازدست‌رفته، به‌ویژه تأمین مواجب نقدی سپاهیان به شکل حواله و تحمیل‌های مضاعف به عواید نظام مالیاتی روی آوردند که این مسئله نیز بر دشواری حکمرانی آنان افزوده‌بود.

**واژگان کلیدی:** غزنویان، اقتصاد، بحران نقره، نظام غنائیم، نظام مالیاتی.

۱. دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه شهید چمران اهواز، ایران (نویسنده مسئول) [sajad.kazemi1984@yahoo.com](mailto:sajad.kazemi1984@yahoo.com)  
۲. دانشیار دانشگاه شهید چمران اهواز، ایران [bahrani pour@hotmail.com](mailto:bahrani pour@hotmail.com)  
۳. استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز، ایران [lidamavadat@gmail.com](mailto:lidamavadat@gmail.com)

## *The Impact of the Silver Crisis on the Ghaznavid Economy*

Sajjad Kazemi<sup>1</sup>

Ali Bahranipour<sup>2</sup>

Lida Mavadat<sup>3</sup>

### **Abstract**

One of the most important financial sources of the Ghaznavid economy in the early period, from the establishment of slaves led by Alpetikin and Sabuktigin in Ghazni (351 AH) to the end of the reign of Sultan Mahmud (421 AH) was reliance on the system of booty, which was the main support for minting high quality coins. But since the reign of Sultan Massoud (432-421 AH) faced a silver crisis, during which the value of the currency decreased and the number of high-denomination coins also decreased. Hence, the later Ghaznavid sultans turned to other easy-to-reach incomes to cover their current and military expenses. It is assumed that the silver crisis due to the reduction of grade and its lack of equipment for the troops led to the evolution of Ghaznavids' sources of income from the looting system to become more dependent on the revenues of the tax system. The method used in this research is descriptive-analytical based on qualitative and quantitative evidence and coinage study. The results show that the decline in conquests in India, the costs of the succession dispute, and the huge costs in unproductive affairs have left the Ghaznavid facing a silver crisis and a devaluation of the currency and as a result, the Ghaznavid sultans resorted to the revenues of the tax system to compensate for the lost financial resources, especially the provision of cash to their troops in the form of remittances and double impositions, which also added to the difficulty of governing them.

**Keywords:** Ghaznavid, Economy, Silver Crisis, Booty System, Tax System.

---

1. Ph.D in of History of Islamic Iran, Shahid Chamran University of Ahvaz, Iran (Corresponding Author) [sajad.kazemi1984@yahoo.com](mailto:sajad.kazemi1984@yahoo.com)

2. Associate Professor Shahid Chamran University of Ahvaz, Iran [bahranipour@hotmail.com](mailto:bahranipour@hotmail.com)

3. Assistant Professor Shahid Chamran University of Ahvaz, Iran [lidamavadat@gmail.com](mailto:lidamavadat@gmail.com)

## مقدمه

اقتصاد غزنویان بر پایه اجزا متعددی همچون عواید کشاورزی، دامپروری، صنایع، معادن، تجارت، باج‌ها، خراج‌ها، هدایا و انواع مصادره اموال استوار بود؛ اما نظر به ماهیت نظامی دولت غزنویان و دستیابی به ثروت هند مهم‌ترین جزء سازنده در اقتصاد آنان نظام غنیمت‌گیری بوده‌است، البته این بدان معنا نبود که غزنویان دوره متقدم به‌ویژه دوره سبکتکین (۳۸۷-۳۶۶ق) و سلطان محمود (۴۲۱-۳۸۸ق) بی‌نیاز از درآمدهای سنتی بودند، بلکه به‌رغم بهره‌مندی از منابع سرشار هند، بعضاً بر دریافت عواید مالیاتی نیز اصرار داشتند. چنان‌که بعد از چند مرتبه بخشش خراج اهالی لغمان از توابع غزنه، خواجه احمد بن حسن میمندی وزیر سلطان محمود خطاب به رعایای آن دیار گفته‌بود: «الْخَرَجُ الْخُرَاجُ أَدَاؤُهُ دَوَاؤُهُ» (نظامی عروضی، ۱۳۶۴: ۳۱ و مقایسه شود با: خوارزمی، ۱۳۶۲: ۵۷؛ ثعالبی، ۱۳۸۵: ۶۴). وزیر خراج را به خراج یعنی «درد هزارچشمه» و یا «سرطان» تشبیه نمود که تحمیل و گزاردن آن تنها راه درمان آن است. خود سلطان محمود نیز معتقد بود رعایا موظف‌اند مالیات خود را به هر پادشاه که قوی‌تر بود، پرداخت کنند (بیهقی، ۱۳۷۴: ۸۸۲).

با این اوصاف ثروت سرشاری که سلاطین دوره متقدم از معابد هند، به‌عنوان «غنایم» غارت کردند، قابل قیاس با درآمدهای آنان از راه خراج نبود، هرچند نمی‌توان به یک مقایسه واقع‌بینانه دست زد، اما روایت‌های تاریخی این موضوع را نشان می‌دهد. برای مثال در یک مورد، ثروت فراوانی که سلطان محمود از معبد سومنات به دست آورد ارزش آن بیش از بیست میلیون دینار تخمین زده‌شد (گردیزی، ۱۳۶۳: ۴۱۳-۴۱۲؛ ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۶۱/۲۲). این موضوع در ادبیات آن دوره نیز انعکاس یافته‌بود. عنصری (۱۳۶۳: ۷۶) در فراوانی غنایم جنگی سروده‌بود:

قیاس‌گیر نداند قیاس سیم سپید      شمارگیر نداند شمار زرّ عیار

اما پس از مرگ سلطان محمود در دوره جانشینان وی از میزان نقود طلا و نقره و انواع جواهرات گران‌بها از راه غارت در اقتصاد غزنویان کاسته‌شد و دولت در تأمین هزینه‌های جاری و پرداخت مواجب سپاهیان گرفتار بحران نقره شد، به‌طوری‌که حتی شاعران در اثر بی‌پولی پی‌ممدوحان دیگری برآمدند و یا سپاهیان به دلیل مشکلات مالی به دشمنان

غزنویان از جمله سلجوقیان پیوستند. این روند که از دوره سلطان مسعود (۴۳۲-۴۲۱ق) آغاز گردید زمینه را برای تطور منابع و درآمدهای اقتصادی غزنویان از نظام غنیمت‌گیری به وابستگی هر چه بیشتر به منابع مالی داخلی؛ به‌ویژه درآمدهای مالیاتی سوق داد؛ بنابراین هدف پاسخ به این پرسش است که بحران نقره چه تأثیری در تطور منابع درآمدی غزنویان از نظام غنایم در وابستگی به نظام مالیاتی داشته‌است؟ فرضیه اصلی این است بحران نقره به‌واسطه کاهش ارزش مسکوکات و کمبود آن سبب تطور منابع درآمدی غزنویان شد. در همین راستا بررسی ریشه‌های بحران نقره، از دیگر اهداف عمده این مقاله است.

### پیشینه پژوهش

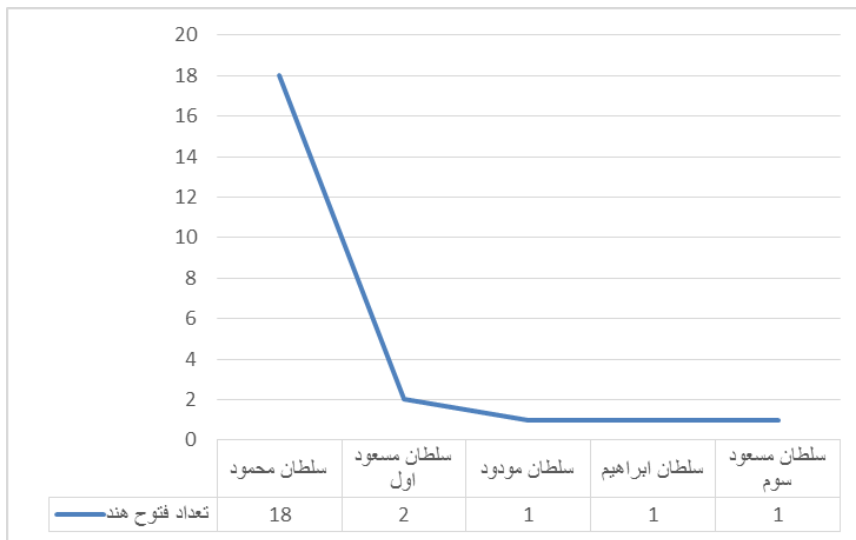
در ارتباط با فتوحات غزنویان در هند و غنایم جنگی سلطان محمود پژوهش‌های فراوانی انجام شده‌است. ادموند باسورث در «تاریخ غزنویان» به‌طور مختصر فهرست منابع درآمدی غزنویان را برشمرد، اما چندان به موشکافی آثار بحران نقره و دگرگونی منابع درآمدی غزنویان نپرداخته، زیرا که دغدغه وی بیشتر گونه‌شناسی سپاه و بررسی اوضاع سیاسی و اجتماعی دوره غزنویان بوده‌است. مقاله «اهمیت تاریخی و ساختار اقتصادی شهر غزنه در پرتو حیات سیاسی عصر غزنویان» از محدثه پاینده و دیگران به جزئیات اوضاع اقتصادی شهر غزنه پرداخته‌است. مقاله «سیاست‌های اقتصادی نظام‌های حکومتی سامانی و غزنوی» از محمد نوع‌پسند و هیرو عیسوی، نگاه اجمالی به تأثیر متقابل سیاست و اقتصاد در دو دوره مزبور داشته‌است. در مقاله «بحران اقتصادی غزنویان و تأثیر آن بر بی‌ثباتی نظم سیاسی» از جمیله یوسفی و اسماعیل حسن‌زاده، به‌طور مختصر موضوعاتی چون تأثیر افزایش نقدینگی، تورم، قحطی‌ها، صدمات اقتصادی ناشی از حضور ترکمانان، مصادره اموال و فشارهای مالیاتی بر اوضاع سیاسی مورد توجه قرار گرفته‌است؛ اما هدف و مسئله کانونی پژوهش حاضر مسئله بحران نقره، ریشه‌ها و پیامدهای آن بر اقتصاد و دگرگونی در منابع مالی غزنویان است که در مقالات مزبور اشاره چندان به این موضوع نرفته‌است. در مقاله اخیر جایی که به هزینه‌های غیرمولد اشاره می‌رود با قسمتی از بحث ما در ریشه‌های بحران نقره مشترک است، اما در مقاله حاضر سعی بر این بود تا با تفصیل بیشتری این موضوع واکاوی شود.

## ۱. ریشه‌های بحران نقره در اقتصاد غزنویان

### ۱-۱. مسئله کاهش فتوحات در هند

بحران نقره‌ای که غزنویان از دوره سلطان مسعود (۴۳۲-۴۲۱ق) به آن گرفتار شدند متأثر از عوامل مختلفی بود. در بُعد بین‌المللی کاهش فتوحات در هند بسیار تأثیرگذار بوده‌است، زیرا غارت معابد هندوستان منبع اصلی تزریق طلا و نقره به اقتصاد غزنویان بود که پس از مرگ سلطان محمود (۴۲۱ق) از تعداد حملات به هند با هدف غنیمت‌گیری کاسته شد. در مجموع سلطان محمود بیش از هفده بار (هجدهمین حمله در آخرین سال سلطنت محمود توسط احمد بن یثالثین صورت گرفت) به‌عنوان غزای با کفار به هند حمله نمود که ماحصل آن صدها میلیون دینار ارزش فلزات گران‌بها، بیش از صدها میلیون درهم پول نقد و بردگان و پیلان فراوان بود؛ اما در دوره سلطان مسعود به دلیل اختلافات داخلی، ناامنی و بی‌ثباتی سیاسی که پس از مرگ سلطان محمود پیش آمد چندان فرصت حمله به هندوستان را پیدا نکردند. مسلم است با کاهش تعداد حملات به هندوستان درآمدهای آنان از طریق غنیمت‌گیری نیز کاهش می‌یافت. سلطان مسعود در طول یک دهه سلطنت دو بار به هند حمله نمود: نخست به سال ۴۲۴ق قلعه سرستی (سرسی) دره کشمیر را فتح کرد که غنایم حاصل از آن غارت اموال فراوان و به اسارت گرفتن زنان و کودکان بود (گردیزی، ۱۳۶۳: ۴۲۷، ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۱۴۴/۲۲، هندوشاه استرآبادی، ۱۳۸۷: ۱۴۷). در سال ۴۲۸ق برای بار دوم فرصت حمله به هند را پیدا کرد که طی آن قلاع هانسی در شمال غرب دهلی و سونی‌پت در شمال دهلی را گشود که حاصل آن تراج زر و سیم و مال و برده فراوان بود (بیبهقی، ۱۳۷۴: ۷۵۷-۷۵۶، گردیزی، ۱۳۶۳: ۴۳۳-۴۳۲). از میان سلاطین بعدی، مودود بن مسعود (اول) (۴۴۱-۴۳۲ق)، ابراهیم بن مسعود (اول) (۴۹۲-۴۵۱ق) و مسعود (سوم) بن ابراهیم (۵۰۹-۴۹۲ق) هرکدام یک بار فرصت قشون‌کشی به هند را پیدا کردند که در مجموع به دلیل افت حملات غنایمی که اینان از هند غارت کردند نسبت به دوره سلطان محمود بسیار ناچیز بود (نک: نمودار ۱).

۱. در این زمینه نک: (گردیزی، ۱۳۶۳: ۴۱۵-۴۱۲، ۴۰۱-۴۰۰، ۳۹۷-۳۹۸، ۳۹۵-۳۹۰، ۳۸۸-۳۸۶، ۳۸۲-۳۸۱، عتبی، ۱۳۷۴: ۳۸۶-۳۸۰، ۳۳۴-۳۳۵، ۳۱۲، ۲۹۴-۲۹۱، ۲۸۰، ۲۷۷، ۲۰۹، شیانکارهای، ۱۳۸۱: ۵۶/۲-۵۱، ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۱۳۷/۲، ۱۰۹/۲، ۶۱).



### نمودار ۱. کاهش فتوحات در هند

بنابراین سلطان محمود با حملات مکرر به هندوستان در هزینه‌های جاری، ضرب سکه‌های مرغوب و تجهیز و تأمین موجب سپاهیان خویش بر نظام غنایم تکیه داشت. هرچند تا نخستین سال‌های حکومت سلطان مسعود، ثروت محمودی افزایش نقدینگی را در پی داشت؛ اما بحران نقره از آن‌جا پدید آمد که در پی کاهش حملات، از میزان نقود، طلا و جواهرات نیز کاسته شد و جانشینان سلطان محمود در پی درگیری‌های داخلی بر سر قدرت و همین‌طور هزینه‌های سرسام‌آور در امور غیرمولد بخش عمده مسکوکات را از چرخه اقتصاد و تجهیز سپاه به‌عنوان نیروهای مولد اقتصاد غارتی - غنایمی، خارج کردند.

### ۲-۱. مسئله اختلافات جانشینی

یکی از ریشه‌های سیاسی بحران نقره در دولت غزنویان تأثیر مسئله جانشینی بود. این مسئله به‌عنوان بزرگ‌ترین چالش سیاسی در هر دوره سبب تحلیل رفتن بنیه اقتصادی دولت گردیده بود. از دوره آلتکین (حک: ۳۵۱-۳۵۰ق) تا روی کار آمدن سبکتکین (۳۸۷-۳۶۶ق) در انتخاب جانشینی دو سنت دنبال شد: آلتکین سعی نمود با انتخاب پسرش اسحاق به این

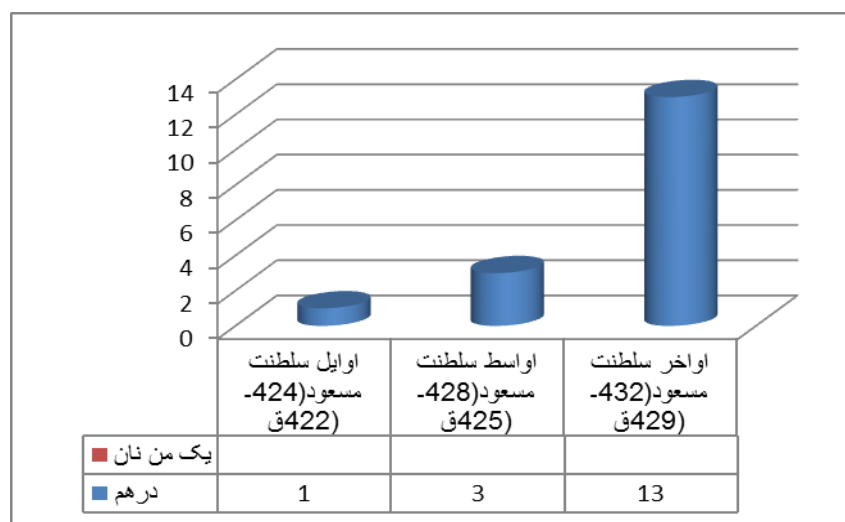
کار جنبه موروثی دهد، اما ظاهراً در خلأ قدرت، سعی غلامان غزنوی این بود که بر پایه سنت «حق ارشدیت خدمت»، یکی را از میان خود به فرمانروایی برگزینند (نک: نظام‌الملک، ۱۳۷۸: ۱۵۷-۱۵۶، شبانکاره‌ای، ۱۳۸۱: ۳۴/۲-۳۲). سبکتکین کوچک‌ترین فرزندش امیر اسماعیل نوه دختری آلتکین را به جانشینی برگزید (مستوفی، ۱۳۶۴: ۳۹۰، Nazim, 1931: 28)، این در حالی بود که برادر بزرگ‌تر امیر محمود سپه‌سالار خراسان که از یک زن زابلی بود از نبوغ نظامی بیشتری برخوردار بود. با این حال، انتخاب امیر اسماعیل به جانشینی که در سال ۳۸۸ق برای هشت ماه حکومت کرد (Shafiuzzaman, 2013: 19) به‌عنوان کوچک‌ترین فرزند جای تأمل است. باسورث معتقد است که این انتخاب ریشه در یک سنت ترکی - مغولی داشت که مطابق آن میراث پدر به کوچک‌ترین عضو خانواده می‌رسید (Bothworth, 1962: 237-240). یک احتمال دیگر این است که با در نظر گرفتن جنبه توارث، ملاک سبکتکین این بود که فردی از نسل آلتکین ولی‌نعمت خویش قدرت را در دست گیرد. آنچه در این‌جا حائز اهمیت است پیامدهای زیان‌بار اقتصادی این اختلافات بود، زیرا که طرف‌های درگیر برای حفظ قدرت و جلب رضایت لشکریان و اعیان مجبور به صرف هزینه‌های سنگین بودند که نتیجه آن خالی گشتن خزانه در مدت کوتاه بود. در مورد امیر اسماعیل آمده‌است: «لشکر گردن طمع دراز کردند و به مال بیعت مطالبت نمودند و او خزاین جهان بر ایشان تفرقه کرد» (عتبی، ۱۳۷۴: ۱۵۲). به‌رغم آن که امیر اسماعیل تمام میراث پدرش را برای جلب حمایت سپاهیان خرج کرد، اما سپاهیان در نهمان به امیر محمود لیبیک گفتند (۳۸۹ق) که به نظر می‌رسد این خواسته سیری‌ناپذیر که به آن خو گرفته در شخص جسوری چون امیر محمود جستجو می‌کردند. با این اوصاف، اگرچه سلطان محمود پس از غلبه بر برادرش، گذشته از توانایی تأمین مالی سپاهیان، اوضاع اقتصادی را نیز به حالت عادی برگرداند، اما پس از پایان حیات خویش (۴۲۱ق) بار دیگر این مسئله میان فرزندان امیر محمد و امیر مسعود سر باز کرد و در نتیجه این اختلافات ذخایر و غنایم او نقصان یافت و اقتصاد حکومت غزنویان در مسیر انحطاط قرار گرفت.

منابع به تفصیل تقابل این دو جریان را تحت عنوان «پدریان و پسران» شرح دادند، اما در این‌جا هدف صرفاً تأثیر این اختلاف بر تضييع خزاین و غنایم است. امیر محمد بخشی از ذخایر محمودی را به‌عنوان «مال بیعتی» به سپاهیان و درباریان واگذار کرد: «در خزینه را

بگشادند و همه حشم و لشکریان را از وضع و شریف و مجهول و معروف، خلعت و صله داد» (گردیزی، ۱۳۶۳: ۴۲۰-۴۱۹). وی حدود هفتاد بار هزار هزار درم (معادل هفتاد میلیون درهم) از خزانه به ترکان و تازیگان و اعیان و اصناف لشکر داد تا علیه امیر مسعود موضع‌گیری کنند. از جمله مال هنگفتی که به ابونصر مشکان داد و سلطان مسعود از او پس گرفت (بیهقی، ۱۳۷۴: ۴۰۹-۴۰۸، عوفی، ۱۳۲۴: ۴۴۶، ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۱۱۲/۲۲).

به روایت گردیزی رهاسازی نقود توسط امیر محمد دوره‌ای از توان‌گری شهرها، سپاهیان و مردم را به دنبال داشت: «عیش بر مردمان خوش گشت و نرخ‌ها ارزان شد و لشکری و بازاری به یک‌بار مسرور گشتند» (گردیزی، ۱۳۶۳: ۴۲۰)؛ اما این سیاست پیامدهای جبران‌ناپذیر اقتصادی به دنبال داشت: نخست آن‌که سپاهیان با پرداختن به فعالیت‌های تجاری روحیه نظامی‌گری و غارت‌گری‌شان تضعیف شد، به عبارتی سیاست مالی امیر محمد مبنی بر «ارتزاق بدون جنگ» کار را بر سپاهیان به‌عنوان عامل اقتصاد غارتی - غنایمی دشوار نمود. به‌طور مشخص احمد بن‌ینالتکین، وزیر خواجه حسن میمندی، ابوسهل حمدوی، سباشی حاجب، ابوالفضل سوری و امیر بگتندی به تجارت و انباشت ثروت مشغول بودند (بیهقی، ۱۳۷۴: ۹۸۱، ۸۷۳-۸۷۲، ۷۵۸، ۷۲۱ ۴۱۶). دوم آن‌که سلطان مسعود با یک خزانه خالی مواجه گشت و در ادامه ناتوانی وی در بسیج مالی سپاهیان بیشتر آشکار گردید، عاملی که خود موجب گشت که برای پوشش این خلأ مالی، به‌طور بی‌سابقه‌ای به عواید ناشی از درآمدهای مالیاتی روی آورد که با تعدی و اجحاف در حق رعایا همراه بوده‌است. رهاسازی نقود افزایش نقدینگی را به دنبال داشت و موجب تورم، به‌ویژه افزایش قیمت اقلام خوراکی نظیر غلات و نان گردید (نک: نمودار ۲) که به موازی تعدی‌های مالی سلاطین بر رعایا، رونق کشت و زرع را نیز از میان برده‌بود. گذشته از این‌ها، رهاسازی نقود باعث رونق نسبی بازار شد. تجار از اقضا نقاط با عرضه کالاهای تجملی حجم بالایی از نقود طلا و نقره را نیز از اقتصاد غزنویان خارج کردند (گردیزی، ۱۳۶۳: ۴۲۰-۴۱۹ و یوسفی و حسن‌زاده، ۱۳۹۷: ۱۰-۱۳) و این مسئله نیز به تبع دلیل مضاعفی بر کمبود و بحران نقره گردید؛ بنابراین اختلافات جانشینی در هر دوره بخش عمده‌ای از نقود طلا و نقره ثابت را بدون آن‌که از راه غنیمت جبران شود، دولت را در مسیر وابستگی بیشتر به عواید نظام مالیاتی سوق داد.





نمودار ۲. افزایش قیمت نان در دوره سلطان مسعود<sup>۱</sup>

### ۳-۱. هزینه‌های هنگفت در امور غیرمولد

سلاطین غزنوی ضمن وابستگی به عواید داخلی، به‌ویژه مالیات عمومی از راه غارت‌گری ممالک هم‌جوار نیز به کسب ثروت پرداختند که قابل‌مقایسه با هیچ‌یک درآمدهای داخلی نبود. جایگاه اینان در روابط تولید گذشته از آن‌که نحوه توزیع و مصرف ثروت را مشخص می‌کردند، در همه سطوح می‌توانستند مالک ثروت و ابزار تولید نیز باشند و توده رعایا به‌عنوان نیروی انسانی مؤثر دارای پایین‌ترین جایگاه در روابط تولید بودند. بر همین اساس، ثروتی که غزنویان؛ به‌ویژه از طریق نظام غنیمت‌گیری به دست آوردند در هیچ امر مولدی (همچون کشاورزی و یا صنایع) تبلور نیافت. از این‌رو، این میراث هنگفت زمینه را برای امور غیرمولدی همچون عیاشی، خوش‌گذرانی، کاخ‌سازی، تجملات و تشریفات جانشینان سلطان محمود فراهم آورده بود. امیر محمد چنان در مجالس طرب و شادی غوطه‌ور بود که به او گوشزد کردند: «این همه خطاست که همی تو کنی... این پادشاهی از تو بشود» (گردیزی، ۱۳۶۳: ۴۲۱). شیوه مملکت‌داری سلطان مسعود نیز توسط

۱. منبع: (بی‌هقی، ۱۳۷۴: ۹۴۲-۹۳۸).

عنصرالمعالی مورد نکوهش قرار گرفت: «از پادشاهی با کنیزکان معاشرت کردن اختیار کرد. چون لشکر و عمال دیدند به چه مشغول است طریق بی‌فرمانی به دست گرفتند» (عنصرالمعالی، ۱۳۹۵: ۲۳۲-۲۳۱). سلطان مسعود در برپایی جشن‌ها و مجالس بزم هزینه‌های گزافی را صرف کرد. لبیبی در بیتی به تهی شدن خزانه در اثر عیش و نوش‌های وی اشاره نمود (دبیرسیاقی، ۱۳۳۴: ۲۶):

خزاین تهی شد در آن زاج سور      درون‌ها پر آمد ز عیش و سرور

تشریفات مجالس محمودی و مسعودی معمولاً با انعام فراوانی همراه بوده‌است، به‌ویژه که سلاطین غزنوی عنایت ویژه‌ای به مجالس شعر و شاعری داشته و بخشی از اموال را در این راه خرج کردند. به روایت بیهقی صلت هزار دینار و ده هزار درهم به شاعران و ندیمان و چاکران و دبیران ناچیز بود که از این منظر به عطایای کلان اشاره دارد، چنان‌که در موردی سلطان مسعود شاعر علوی زینبی را یک پیل‌وار درهم معادل یک‌میلیون درهم پاداش داده‌بود (بیهقی، ۱۳۷۴: ۱۸۱). در منابع تاریخی و ادبی روایت‌های متعددی در این زمینه وجود دارد. در اواخر سلطنت مسعودی این بذل و بخش‌های بی‌رویه تأثیر خود را بر ایجاد بحران نقره گذاشته‌بود. به گفته بیهقی: «در آخر روزگار آن باد لختی سست گشت» (همان) که به کمبود نقره اشاره رفته‌است.

یکی از عمده محل مصرف‌های ثروت محمودی ساخت قصرها و کوشک‌های سلطنتی بود. خود سلطان محمود هزینه‌های گزافی در این زمینه صرف کرد. از آن‌جا که وی با تداوم غارت‌گری توانست، بلافاصله منابع مالی جدیدی را جایگزین کند، پیامدهای اقتصادی آن چندان محسوس نبود؛ اما در زمان سلطان مسعود که هم در ساخت کاخ‌ها و سراها بلندپروازتر از پدر بود و هم بیشتر بر ذخایر ثابت اتکا داشت، آثار جبران‌ناپذیر اقتصادی این هزینه‌ها بیشتر آشکار گردید. از جمله در تکمیل و تذهیب کوشک محمودی مبالغ‌ه‌نگفتی هزینه کرد که به گفته بیهقی: «کس به یاد ندارد» (همان، ۴۹۷). در باغ عدنانی هرات، شادیاخ نیشابور و در بلخ نیز سراهای جدیدی بنا کرد؛ اما پرهزینه‌ترین کار عمرانی وی بنای «کوشک نو مسعودی» در غزنه بود که پس از چهار سال در ۴۲۷ق به اتمام رسید و «هفت بار هزار هزار درم» معادل هفت میلیون درهم خرج برداشت (همان، ۷۲۲). گردیزی در

وصف این کوشک اشاره کرد که سلطان تختی زرین مرصع به جواهر برای این کوشک تدارک دید و نیز یک تاج زرین به وزن هفتاد من طلا که از بالای تخت آویزان بود (گردیزی، ۱۳۶۳: ۴۳۲-۴۳۱ق).

بخش عمده‌ای از طلا و نقره نیز در جشن‌های عروسی سلاطین و شاهزادگان هزینه شد. سلطان مسعود در عروسی با دختر بوکالینجار (به سال ۴۲۴ق) «بسیار زر و جواهر و طرایف» خرج کرده بود (بیهقی، ۱۳۷۴: ۶۲۲). جشن عروسی شاهزاده مردان‌شاه فرزند وی به سال ۴۳۰ق نیز با «تکلف‌های هول» همراه بود: «عروسی کردند که کس مانند آن یاد نداشت» (همان، ۷۴۸). هم این که بیهقی گوید از ابومنصور مستوفی شنیدم که گفته بود: «چندین روز با چندین شاگرد مشغول بودم تا جهاز را نسخت کردند ده بار هزار هزار درم (ده میلیون درهم) بود» (همان، ۷۴۹-۷۴۸). گذشته از این‌ها، بخش عمده‌ای از نقود و جواهرات را بلامصرف در قلاع نگاه داشتند. طبق روایت‌های تاریخی، سلطان محمود قلاع مستحکمی در مناطق صعب‌العبور غزنه و غور از جمله قلاع «دیدی‌رو» یا «دمدی‌دو»، «مندیش»، «نای»، «لامان»، «مرنج» و «سامدکوت» را گنج‌خانه خویش کرده بود (گردیزی، ۱۳۶۳: ۴۳۹-۴۳۸، جوزجانی، ۱۳۶۳: ۳۳۵/۲-۳۳۳). زمانی که سلطان مسعود گنج‌های پدر را از قلاع مذکور جمع‌آوری و به رباط ماریگله منتقل کرده بود؛ نقل است اشترها و استرهای حامل آن قابل‌شمارش نبودند (گردیزی، ۱۳۶۳: ۴۳۹).

بنابراین، گذشته از آن که ثروت محمودی در امور تولیدی؛ به‌ویژه رونق کشاورزی به کار گرفته‌نشده، از دوره سلطان مسعود موجب سپاهیان نیز از خزانه دولت به‌عنوان عاملان اصلی جمع‌آوری ثروت (از راه غارت‌گری) به‌طور بی‌سابقه‌ای کاهش یافته بود. به‌علاوه رعایا به‌عنوان نیروهای اصلی تولید ثروت در داخل، به‌ویژه از دوره سلطان مسعود جایگاه خود را در روابط تولید از دست دادند. از این رو عدم تناسب و هماهنگی روابط تولید با نیروهای مولد به‌مثابه رکود تولید و بحران اقتصادی خواهد بود. غزنویان که ثروت فراوانی جمع‌آوری کردند، به دلیل هزینه‌های فوق با کمبود نقره مواجه شدند، ضمن آن که جبران کسری نقره از راه غنایم نیز به دلیل کاهش فتوحات در هند، اقتصاد غزنویان را دچار تطور در منابع درآمدی نمود.

## ۲. بحران نقره و تأثیر آن بر تطور منابع درآمدی اقتصاد غزنویان

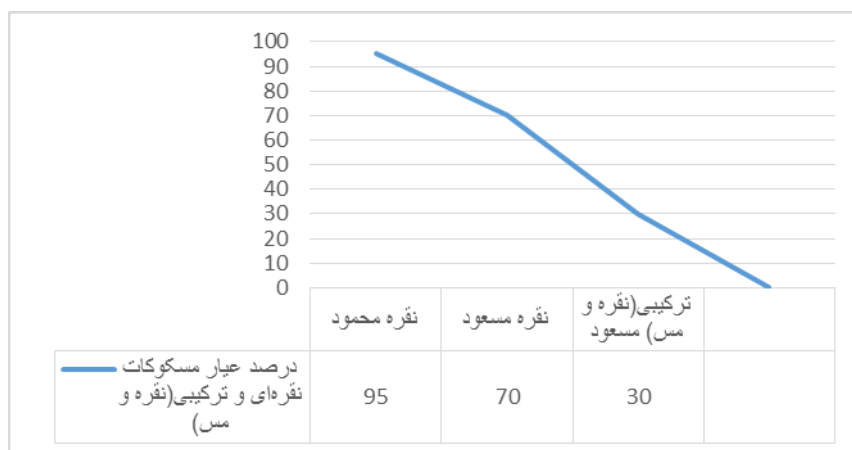
### ۲-۱. مشخصه‌های بحران نقره

۲-۱-۱. کاهش ارزش و عیار مسکوکات: سلاطین متقدم غزنوی که در ضرب سکه وارث برخی دارالضرب‌های سامانی و نیز دولت بومی کابل‌شاهان هندو در غزنه بودند، با دستیابی به طلای هند و نیز بهره‌برداری از معادن داخلی، به ضرب مسکوکات با عیار بالا پرداختند. از برخی شواهد ادبی برمی‌آید که بت‌های زرین هند را نیز ذوب کرده و برای ضرب مسکوکات طلا به کار می‌بردند، فرخی سیستانی (۱۳۱۱: ۵۴) سروده‌بود:

بتان زرین بشکستی و به پالودی بنام ایزد از آن زرّها زدی دینار

همچنین کشف یک معدن طلا در سیستان به سال ۳۹۰ ق (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۲۷۵/۲۱) و یک معدن طلا در کوه‌های غزنه که عواید یک هفته آن برابر با ده سال خراج ماوراءالنهر توصیف شده (فرخی سیستانی، ۱۳۱۱: ۲۵۹)، بر ضرب مسکوکات با عیار بالا افزوده‌بود. سبکتکین که سیاست مالی خود را بر نظام غنایم استوار ساخت، علاوه بر ضرب سکه‌های نقره با عیار بالا، توانست سکه طلا نیز ضرب کند. میانگین وزن سکه‌های سامانی ۴۵ گندم (معادل ۲/۱ گرم) بود، اما میانگین وزن سکه‌های غزنوی که از نظر توماس و باسورث به سکه‌های محلی سلاطین هندوشاهی کابل نزدیک بود، حدوداً ۵۰ تا ۵۵ گندم وزن داشتند (باسورث، ۱۳۷۲: ۴۲، Thomas, 1847: 287-289) که تا اندازه‌ای نسبت به سکه‌های سامانی سنگین‌تر بودند. البته به نظر می‌رسد این موضوع صرفاً تقلیدی از سکه‌های بومی و محلی هندوشاهان کابل نبود، بلکه نشان از رشد اقتصادی و افزایش توان مالی آن‌ها در ضرب سکه‌ها با وزن و عیار بالاتری بود، چنان‌که یک نمونه سکه طلای سبکتکین (موجود در موزه کابل) ۴ گرم یعنی معادلی حدوداً ۱۰۰ گندم بوده‌است (جیلانی، ۱۳۵۱: ۱۷۶-۱۷۱). همچنین بر پایه مجموعه سکه‌های موزه کابل و بریتانیا ضرب تعداد فراوانی از سکه‌های طلا در دوره سلطان محمود با وزنی به‌مراتب بیش از سکه‌(های) طلای دوره سبکتکین، تداوم و اوج رشد اقتصادی و ارزش پولی این دوره را نشان می‌دهد. وزن سکه‌های طلا (دینار) در بالاترین حد خود از ۴ گرم دوره سبکتکین به ۴/۳ گرم و نیز ۴/۹ گرم در دوران سلطان محمود رسیده‌بود (جیلانی، ۱۳۵۱: ۱۷۶-۱۷۱، Thomas, 1847: 305-343). به

تناسب وزن سکه‌ها، عیار طلا و یا در سکه‌های درهم، نقره خالص آن‌ها نیز بالاتر رفته‌بود. در همین دوره عیار دینارهای ضرب‌شده در نیشابور حدود ۹۶٪ آن طلای خالص بود (Davidovich, and Dani, 1998: 407). به روایت بیهقی نیز از یک سکه ده درهمی، عیار نقره آن نه و نیم بوده‌است (بیهقی، ۱۳۷۴: ۱۸۱). این یعنی حدود ۹۵٪ عیار سکه‌های دینار و درهم، به ترتیب طلا و نقره خالص بوده‌است. اگرچه در دوره جانشینان سلطان محمود، به‌ویژه سلطان مسعود کم‌وبیش به شکلی پراکنده ضرب سکه طلا و نقره رواج داشت، اما رفته‌رفته به‌عنوان نشانه‌ای از بحران نقره و تطور اقتصادی از عیار و حتی تعداد مسکوکات با ارزش کاسته شده، به‌طوری‌که عیار دینارها از ۹۶٪ دوره سلطان محمود، در دوره سلاطین متأخر غزنوی به‌طور مشخص در دوره ابراهیم بن مسعود (۴۹۲-۴۵۱ق) به کمتر از ۵۰٪ رسیده‌بود (رضایی باغبیدی، ۱۳۹۳: ۵۵۴). عیار مسکوکات نقره‌ای نیز از ۹۵٪ در دوره محمود به ۷۰٪ در دوره مسعود کاهش یافته و در سکه‌های ترکیبی وی (نقره و مس) مقدار نقره خالص آن به کمتر از ۳۰٪ رسیده‌بود (Davidovich, and Dani, 1998: 407). این یعنی بیش از ۷۰٪ این مسکوکات، فلز کم‌ارزش شده‌بود.



### نمودار ۳. مقایسه میزان نقره خالص در مسکوکات نقره‌ای سلطان محمود و سلطان مسعود

بدین‌سان تا زمانی که سلطان محمود روی کار بود وفور مسکوکات با ارزش باعث تعادل بازار و رونق اقتصادی گشته‌بود، اما با کاهش غنایم از یک طرف و برخی هزینه‌های گزاف

داخلی سلاطین متأخر مجبور شدند سکه‌هایی با عیار متوسط و پایین‌تر و سکه‌های ترکیبی نقره و مس، مسین و برنجی ضرب کنند (در این زمینه نک: رضائی باغبیدی، ۱۳۹۳: ۷۴۵-۷۳۵، Thomas, 1847: 335-375, Lane Poole, 1889: 219-252) و با استفاده از تعبیر گرشام که «پول بد، پول خوب را از گردش می‌اندازد» (Sparavigna, 2014: 216-217)؛ رواج مسکوکات کم‌ارزش نیز به سهم خود موجب گشت دینارها و درهم‌های موجود نیز از بازار و چرخه اقتصاد خارج و یا در خزانه دولت و دفینه‌های خصوصی رانده‌شود.

**۲-۱-۲. کمبود نقره جهت تأمین مواجب سپاهیان و صلوات شاعران:** یکی از نشانه‌های داخلی بحران نقره، به‌ویژه از دوره سلطان مسعود (۴۳۲-۴۲۱ق) کمبود تدریجی نقره در پرداخت مواجب و تجهیز سپاهیان بوده‌است، در همین راستا به کرات حقوق بیستگانی به تعویق افتاد و رفته‌رفته تأثیر خود را بر درماندگی سپاهیان و تطور منابع درآمدی گذاشته‌بود. در دومین سال سلطنت مسعود رأی بر این قرار گرفت: «بیستگانی نباید داد تا یک سال مالی به خزانه باز رسد» (بیهقی، ۱۳۷۴: ۴۰۷). این روایت حاکی از آن است که سلطان مسعود از همان ابتدا در تأمین منابع مالی سپاهیان با مشکل مواجه بود. این موضوع در برخی اشعار آن عصر نیز انعکاس یافته‌بود (فرخی سیستانی، ۱۳۱۱: ۳۹۵-۳۹۴):

جهاندار مسعود محمود غازی      که محمود باد اخترش جاودانی  
سپاهیست او را که از دخل گیتی      بسختی توان دادشان بیستگانی

در همان زمان، سلطان مسعود درصدد مصادره «مال بیعتی» امیر محمد برآمده‌بود، چنان‌که اطرافیان او را ترغیب کردند: «افزون هفتاد و هشتاد بار هزار هزار درم (هفتاد و هشتاد میلیون درهم) به ترکان و تازیکان و اصناف لشکر بگذاشتن و این حدیث را در دل پادشاه شیرین کردند» (بیهقی، ۱۳۷۴: ۴۰۷-۴۰۶). سلطان نیز دستور داد هر مالی که برادرش به دیگران داده، مصادره گردد. وزیر خواجه احمد میمندی گفته‌بود: «امیر را سخت حریص دیدم در باز ستاندن مال» (همان، ۴۰۷). این شیوه از مصادره تنها در حکم انتقام از برادر نبود، بلکه حاکی از کمبود نقره در تأمین هزینه جاری دربار و لشکریان بوده‌است. به روایتی هدف سلطان مسعود این بود تا «مواجب یک‌ساله از این مال داده‌آید» (عوفی، ۱۳۲۴: ۴۴۸). ابونصر مشکان مرتب ضرورت نگاهداشت سپاهیان را برای مقابله با ترکمانان

گوشزد کرده بود (بیهقی، ۱۳۷۴: ۷۱۰)؛ اما کمبود نقره و ناتوانی مالی سلطان مسعود تأثیر خود را بر نافرمانی و فروپاشی لشکر در نبردهای پراکنده و سپس شکست در جنگ دندانقان (۴۳۱ق) نشان داده بود. درماندگی مالی در تجهیز سپاه علیه ترکمانان از سخن ابوالحسن عبدالجلیل کدخدای لشکر پیدا است که به سلطان گفته بود: «لشکر... به زیادت حاجتمند است» و به او پیشنهاد داد: «نسختی باید کرد و بر نام هرکسی چیزی نبشت» (بیهقی، ۱۳۷۴: ۹۲۶). هم بیهقی کمبود مواجب نقدی و گرسنگی لشکر در آستانه جنگ با ترکمانان (۴۳۰ق) را چنین توصیف کرد: «سوارگان را همه در مضرت و گرسنگی و بی‌ستوری می‌بینیم... و با هیچ پادشاه برین جمله نرفتند» (همان، ۹۵۴). این در حالی بود که سپاهیان در عهد محمود از شرایط مالی مطلوبی برخوردار بودند و این موضوع در اشعار آن دوره انعکاس یافته بود (نک: فرخی سیستانی، ۱۳۱۱: ۵۹)؛ اما برای سلطان مسعود که همچون پدر متکی بر نظام غنایم نبود، تأمین مالی سپاهیان کار دشواری بود، توصیف بیهقی از عصر سلطان مسعود چنین بود: «در این روزگار آن ابر زرپاش سستی گرفته بود و کم باریدی» (بیهقی، ۱۳۷۴: ۹۲۵)؛ که به کمبود نقره در پرداخت مواجب نقدی سپاهیان و مضافاً صیلات شاعران اشاره دارد. در مورد اخیر روایت‌های بیهقی نشان می‌دهد در این اواخر شاعران نیز از پاداش نقدی سلاطین بی‌نصیب ماندند (همان). در همین ارتباط یکی از شاعران دوره سلاطین متأخر غزنوی از تنگدستی خویش چنین ناله سر داده بود (مختاری غزنوی، ۱۳۳۶: ۳۷۲-۳۷۱):

بی‌سیمی و عاشقی، مرا کرد هلاک      با سیم، ز عاشقی کرا، باشد باک  
از تنگی دستم، ای نگار چالاک      افسوس که از دست بخواهی شد پاک

بنابراین، در دوره جانشینان مسعود نیز این روند کم‌وبیش تداوم داشته و همواره یکی از دلایل نارضایتی سپاهیان در پیوستن به رهبران شورشی بود، از جمله پیوستن سپاهیان به طغرل حاجب علیه سلطان عبدالرشید بن محمود (۴۴۳-۴۴۱ق) به دلیل کمبود مواجب بوده است (نک: ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۲۸۷/۲۲) و یا همچنین شاعران که در پی صیلات در جستجوی ممدوح دیگری برآمدند، چنان‌که شرح‌حال عثمان مختاری رفته و هم در آرزوی پیوستن به ارسلان‌شاه بن کرمانشاه حاکم سلجوقی کرمان بود (مختاری غزنوی، ۳۱۶-۳۱۳).

## ۲-۲. وابستگی به عواید نظام مالیاتی

از دوره سلطان مسعود که اقتصاد غارتی-غنائیمی به دلیل فروکش کردن تب فتوحات و برخی مسائل داخلی دولت را با بحران نقره مواجه ساخت؛ عواید نظام مالیاتی به عمده‌ترین منبع درآمدی غزنویان درآمده‌بود. هرچند آمار دقیقی از میزان مالیات دریافتی در این ادوار در دست نیست، اما برخی شواهد کیفی و کمی تاریخی در این مرحله از تطور ساختار اقتصادی غزنویان، نشان از آن است که تا چه اندازه دولت برای تأمین منابع مالی جایگزین، در جهت اتکا به عواید نظام مالیاتی و اجحاف و فشار مالیاتی به توده رعایا پیش رفته‌بود. در همین ارتباط زمانی که سلطان محمود ری را فتح نمود (۴۲۱ق) رعایای آن سامان از این که از چنگال سپاهیان دیلمی رهایی یافته، بسیار شادمان گشته‌اند، اما پس از آن که سلطان مسعود به تخت نشست تعدی‌های مالی عمال وی، فغان رعایای آن دیار را درآورده‌بود: «تاش‌فراش (سپه‌سالار اعزامی) بلاد را پر از جور و ستم کرده‌بود تا جائی که مردم آرزومند بودند، که از وی و دولت او نجات پیدا کنند و خرابی در بلاد راه یافت» (ابن‌اثیر، ۱۳۹/۲۲). به همین منظور سلطان مسعود، ابوسهل حمدونی را مأمور نمود (۴۲۴ق) تا مالیات آن نواحی را به شیوه مسالمت‌آمیز تحصیل کند (همان، ۱۵۶/۲۲). به رسمیت شناختن حکومت ابوکالیجار از آل‌زیار در گرگان نیز مشروط به پرداخت «مال ضمان گذشته و آنچه اکنون ضمان کرده» (بیهقی، ۱۳۷۴: ۴۷۸) به ابوالفضل سوری بن‌معتز بوده‌است (۴۲۳ق). تعدی‌های سلطان مسعود به حدی بود که دو سال بعد اهالی گرگان از پرداخت آن سر باز زدند. بااین‌حال سلطان مسعود بر اثر نیاز شدید مالی بر اخذ مالیات گرگان اصرار ورزید و بهانه‌ای شد تا نواحی شمالی را مورد تاخت‌وتاز قرار دهد (۴۲۶ق) در همین راستا ابوسعید صراف نامی را به‌عنوان صاحب‌دیوانی گرگان منصوب و مأمور اخذ مال رعایای گرگان نمود. به نقل بیهقی: «سرای‌ها و مال‌های گریختگان می‌جستند و آن چه می‌یافتند می‌ستدند؛ و اندک چیزی به خزانه می‌رسید» (همان، ۶۷۵).

سلطان مسعود در ادامه طمع در مال رعایای آمل نمود و گفته‌بود: «به آمل هزار هزار مرد است، اگر از هر مردی دیناری سنده‌آید، هزار هزار دینار باشد» (همان، ۶۶۸). هم بیهقی خواسته‌های مالی سلطان را چنین مرقوم نمود: «زر نشابوری هزار هزار دینار و جامه‌های



رومی و دیگر اجناس هزار تا و محفوری و قالی هزار دست و پنج هزار تا کیش». زمانی که بیهقی این مکتوب را از جانب سلطان بر وزیر خواجه احمد بن عبدالصمد عرضه نمود، وزیر در انتقاد از سیاست مالی سلطان گفته بود: «ببینی که این نواحی بکنند و بسوزند و بسیار بدنامی حاصل آید و سه هزار درم نیابند» (همان، ۶۸۴ و نک: مرعشی، ۱۳۴۵: ۸۸-۸۷). فشارهای مالیاتی سلطان از آن جا پیدا بود که مردم آمل در پاسخ گفتند: «نثار ما که از قدیم باز رسم رفته است از آن آمل و طبرستان درمی صد هزار بوده است... اگر زیادت تر از این خواسته آید، رعایا را رنج بسیار رسد» (بیهقی، ۱۳۷۴: ۶۸۴)؛ اما سلطان که تحت فشار مالی بود، گفته بود: «آن چه سخت کرده آمده است خواستنی است از آمل تنها... و اگر نپذیرند، بوسهل اسمعیل را به شهر باید فرستاد تا به لت از مردمان بستاند» (همان، ۶۸۵). به نقل بیهقی: «در مدّت چهار روز صد و شصت هزار دینار به لشکر رسید و دو چندین بسته بودند به گزاف» (همان، ۶۸۶-۶۸۵، ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۱۵۲/۲۲). گردیزی نیز می گوید پس از این همه اجحافات مالی، بوکالیجار والی گرگان و طبرستان سر تسلیم فرود آورد و مال مشخص «ضمان» را پرداخت نمود، به علاوه پذیرفت: «اندر عاجل سیصد هزار دینار بدهد و هر سال خراج بدهد» (گردیزی، ۱۳۶۳: ۴۲۸).

بنابراین درحالی که توان مالی رعایای آمل طبق سنت دوره سلطان محمود صد هزار درهم بوده، در دوره سلطان مسعود به شکل پرداختی مستعجل و تحمیلی یک میلیون دینار رسید، هرچند در عمل کمتر از این از رعایا اخذ شد. باین حال اوضاع چنان پیش رفت که در اثر تعدی های وی، رعایای آمل مجبور گشتند خانه و کاشانه خود را رها کرده و در بیشه ها پنهان شوند و برخی نیز به تظلم نزد خلیفه در بغداد رفتند و حتی به درگاه خانه خدا در مکه نیز متوسل شدند (بیهقی، ۱۳۷۴: ۶۸۶).

وابستگی سلطان مسعود به عواید مالیاتی فراگیر بود. در خراسان اوضاع و احوال رعایا وخیم تر از این روایت شده است. در ضیافت مهمانی ماه رمضان سال ۴۲۴ق ابوالفضل سوری صاحب دیوان خراسان با غارت رعایا، مال هنگفتی تقدیم سلطان نمود:

هزار دینار نشابوری نثار کرد و عقدی گوهر سخت گران مایه پیش امیر نهاد... پانصد حمل هدیه ها... و چندان جامه و طرایف و زرینه و سیمینه و غلام و کنیزک و مشک و کافور

و عتاب و مروارید و محفوری و قالی و کیش و اصناف نعمت بود در این هدیه سوری، که امیر و همه حاضران به تعجب بماندند.

این مال هنگفت که حاصل دست‌رنج رعایای خراسان بود، ابومنصور مستوفی ارزش آن را بالغ بر چهار میلیون درهم برآورد کرد. سلطان مسعود خطاب به مستوفی گفت: «نیک چاکری است این سوری، اگر ما را چنین دو سه چاکر دیگر بودی، بسیار فایده حاصل شدی». ابومنصور گفته‌بود: «زهره نداشتم که گفتمی از رعایای خراسان باید پرسید که بدیشان چند رنج رسانیده‌باشد به شریف و وضع تا چنین هدیه ساخته آمده‌است» (همان، ۶۳۸-۶۳۷). شهرهای طوس، نسا، باورد، استوا و سرخس نیز در نتیجه اخاذی‌های مضاعف سوری رو به ویرانی رفت، به‌طوری‌که: «هر کس منی غله داشت بستند» (همان، ۹۴۲). در سرخس مردم از پرداخت مالیات سر باز زدند که با بی‌رحمی سرکوب شدند (گردیزی، ۱۳۶۳: ۴۳۶). شیخ عبدالجبار بن حسن جُمحی صاحب برید خراسان در ظلم و فشار مالی سوری چنین سروده‌بود (بیهقی، ۱۳۷۴: ۶۴۰-۶۳۹، ابن‌فندق، ۱۳۶۱: ۱۷۹-۱۷۸):

امیرا به‌سوی خراسان نگر      که سوری همی مال و ساز آورد  
اگر دست شومش بماند دراز      پیش تو کاری دراز آورد

به گفته بیهقی تعدی سوری تنها متوجه توده رعایا نبود، بلکه اعیان و زمین‌داران نیز از اجحاف مالی او در امان نبودند: «اعیان و روسا را برکند و مال‌های بی‌اندازه ستند... و از آن‌چه ستند از ده درهم، پنج (درهم) سلطان را داد و آن اعیان مستأصل شدند» (بیهقی، ۱۳۷۴: ۶۳۸). از جمله اجحاف در حق خواجه ابوالحسن بُن‌دار طوس، پدر خواجه نظام‌الملک که روایت است: «پنجاه‌هزار درم بر (او) جمع کرد و هر چه از ضیاع و عقار و تجمل داشت به سی هزار درم از وی بستند و باقی از وی قباله ستند» (ابن‌فندق، ۱۳۶۱: ۸۱، ۷۹). یا سالار بوژگان از اعیان نیشابور در اثر ظلم سوری کمر به خدمت ترکمانان بسته‌بود (بیهقی، ۱۳۷۴: ۸۸۳). همچنین روایت است ابونصر سالار منصور بن رامش رئیس نیشابور در اثر ظلم سلطان مسعود به مردم از شغل خویش کناره گرفت (فارسی، ۱۴۰۳ق: ۳۷۱). تعدی‌های مالی که در خراسان رفت باعث قطع امید رعایا و اعیان از غزنویان گردید و زمینه‌های پیروزی سلجوقیان را در خراسان فراهم نمود. به گفته بیهقی اعیان خراسان نامه‌هایی برای رؤسای

ترکان در ماوراءالنهر فرستادند و آنان را برای حمله به خراسان تحریک نمودند (بیهقی، ۱۳۷۴: ۶۳۸). در این بحبوحه سلطان مسعود سوباشی حاجب بزرگ را برای مقابله با سلجوقیان به خراسان اعزام کرد و به او گفت: «من ایالت خراسان به تو داده‌ام تا پرنده از نخلش و مگس از کندویش برانی...» (حسینی، ۱۳۸۰: ۴۶-۴۵). نایب وی، حاجب نامی اموال رعیت را غارت کرد. نقل است حتی چوب درختان را نیز برید و با شتر به غزنه فرستاد و خراسانیان او را حاجب «پاک‌روب» لقب دادند (ابن‌فندق، ۱۳۶۱: ۲۷۳).

وجه دیگر بحران نقره حواله کردن حقوق سپاهیان به مال ولایات بود، چنان‌که در آستانه جنگ با سلجوقیان حقوق آنان را به مال رعایای خراسان حواله نمود (بیهقی، ۱۳۷۴: ۹۲۰-۹۱۹). همین‌طور زمانی که برای حمله به کرمان در تدارک تجهیز سپاه با مشکل پول مواجه گشت (۴۲۴ق)، به ابوالفرج پارسی «کدخدای» لشکر، دستور داد تا بیستگانی لشکر را باید از مال کرمان پرداخت کنند (بیهقی، ۱۳۷۴: ۶۵۵). روایت است پس از استقرار سپاه غزنوی به رهبری احمدعلی نوشتگین (۴۲۴ق)، بلافاصله از رعایا «مال دادن بگیرتند» (همان) و «به سبب رسوم ذمیمه و خطابات عنیفه و معاملات قبیحه که ابداع و احداث کردند اهالی و رعایا متنفر و متشکی گشته به دارالخلافت استغاثت بردند» (منشی کرمانی، ۱۳۶۲: ۱۶). به روایت بیهقی: «مردم ما در کرمان دست برگشاده بودند و بی‌رسمی می‌کردند تا رعیت به ستوه شد و به فریاد آمدند» (بیهقی، ۱۳۷۴: ۶۵۶-۶۵۵). هرچند سلطان مسعود از این اقدام طرفی نبست و رعایای کرمان با کمک بهرام ابن‌مافنه و حاجب امیر بغداد، غزنویان را بیرون رانده، اما تحمیل مالیات سنگین بر رعایای آن سامان و حواله حقوق سپاهیان به اموال آنان، گوشه دیگری از نشانه‌های تطور منابع درآمدی غزنویان در نقطه عزیمت از نظام غنائیم به عواید نظام مالیاتی بوده‌است.

بنابراین افزایش فشار مالیاتی، حمله به ولایات مختلف با هدف دریافت مالیات معوقه و تحمیل‌های مضاعف، مصادره اموال زمین‌داران و خرده‌مالکان، خرابی ولایت، فرار رعایا، به تعویق افتادن بیستگانی و متعاقباً حواله حقوق سپاهیان به مال رعیت در دوره غزنویان متأخر، در مقایسه با پرداخت مواجب سپاهیان به‌نقد و بعضاً مدارا با رعایا و معافیت‌های مالیاتی در دوره سلاطین متقدم غزنوی؛ و نیز تحمیلی‌های ۱۰۰۰ دینار و غارت اموال رعایا

به ارزش ۴/۰۰۰/۰۰۰ درهم در خراسان و تحمیلی ۴۶۰/۰۰۰ دینار و مطالبه غیرمترعارف ۱/۰۰۰/۰۰۰ دینار از رعایای گرگان و طبرستان نسبت پرداخت‌های کمتر از این در دوره سلطان محمود، در واقع نمونه شواهد کیفی و کمی است که نشان می‌دهد تا چه اندازه سلاطین متأخر غزنوی به دلیل بحران نقره، اعم از بی‌ارزش شدن مسکوکات و کمبود نقره به عواید حاصل از نظام مالیاتی و فشار بر رعایا روی آوردند.

### نتیجه

نظر به ماهیت نظامی دولت غزنویان در ابتدا غنیمت‌گیری مهم‌ترین جز سازنده اقتصاد آنان بود، اما از دوره سلطان مسعود (۴۳۲-۴۲۱ق) غزنویان گرفتار بحران نقره شدند که در این زمینه عوامل متعددی مؤثر بوده‌است: نخست مسئله کاهش فتوحات در هند بود که از هجده حمله در دوره سلطان محمود به دو مورد در دوره سلطان مسعود رسیده‌بود. بدین‌سان با کاهش فتوحات منابع مالی آنان از راه غارت و غنیمت به‌طور بی‌سابقه‌ای کاهش یافته‌بود. از طرفی مسئله جانشینی به‌عنوان بزرگ‌ترین چالش سیاسی غزنویان سبب گردید بخش عمده‌ای از نقود طلا و نقره ثابت و موروثی دوره سلطان محمود صرف این اختلافات شود. همین‌طور هزینه‌های هنگفت در امور غیرمولد، نظیر مجالس بزم، جشن‌های عروسی سلاطین و شاهزادگان، کاخ‌سازی و پاداش‌های فراوان به شاعران از دیگر ریشه‌های داخلی بحران نقره بود، زیرا که بخش عمده این هزینه‌ها از خزانه و ذخایر ثابت پرداخت می‌شد، ضمن آن که بخشی از نقود را نیز در خزاین و دفینه‌ها بلامصرف نگه داشتند؛ بنابراین صرف ذخایر ثابت و موروثی، بدون آن که از راه غنیمت‌گیری دوباره به دست آید از دوره سلطان مسعود اقتصاد غزنویان را گرفتار بحران نقره نمود که نمود آن کاهش ارزش مسکوکات و کمبود آن در تأمین هزینه جاری و لشکری بود. در مورد نخست عیار مسکوکات طلا و نقره از ۹۵ درصد خالصی به کمتر از ۵۰ درصد رسید و به‌ناچار سکه‌های کم‌ارزش ترکیبی (نقره و مس)، مسین و برنجی ضرب کردند. همین‌طور کمبود نقره از دیگر نشانه‌های آشکار این بحران بود و غزنویان متأخر برای تأمین هزینه‌های جاری، تجهیز سپاهیان و پرداخت مواجب آنان به درآمدهای داخلی، به‌ویژه عواید مالیاتی روی آوردند. در همین ارتباط افزایش و تشدید فشارهای مالیاتی، عوارض، تحمیل‌های مضاعف و حواله حقوق سپاهیان به مال

رعایا در سراسر ولایات از شواهد کیفی تطور منابع درآمدی غزنویان در جهت وابستگی به عواید نظام مالیاتی بود و ریشه آن به بحران نقره برمی‌گردد که به دلیل کمبود و بی‌ارزش شدن آن توان پرداخت مواجب و تجهیز سپاهیان را نداشتند و به‌ناچار برای نگاهداشت آنان به عواید نظام مالیاتی تکیه کردند که در این زمینه نیز چندان موفق نبودند.

## منابع

### کتاب‌ها

- ابن اثیر، عزالدین (۱۳۷۱)، *تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران*، ج ۲۲، ۲۳، ترجمه عباس خلیلی و ابوالقاسم حالت، تهران: مطبوعات علمی.
- ابن فندق، زید بن علی (۱۳۶۱)، *تاریخ بیهقی*، تصحیح احمد بهمنیار، تهران: فروغی.
- باسورث، ک. ا (۱۳۷۲)، *تاریخ غزنویان*، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
- بیهقی، ابوالفضل (۱۳۷۴)، *تاریخ بیهقی*، تصحیح خلیل خطیب رهبر، تهران: مهتاب.
- ثعالی، عبدالملک (۱۳۸۵)، *تحسین و تقبیح*، ترجمه محمد بن ابی‌بکر، تهران: میراث مکتوب.
- جوزجانی، منہاج سراج (۱۳۶۳)، *طبقات ناصری*، ج ۱، تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران: دنیای کتاب.
- جیلانی، غلام (۱۳۵۱)، *غزنه و غزنویان*، کابل: بیهقی.
- حسینی، صدرالدین (۱۳۸۰)، *زبدۃ التواریخ*، ترجمه رمضان علی روح‌اللهی، تهران: انتشارات شاهسون.
- خوارزمی، ابو عبدالله (۱۳۶۲)، *مفاتیح العلوم*، ترجمه حسین خدیو جم، تهران: علمی و فرهنگی.
- دبیرسیاقی، محمد (۱۳۳۴)، «لبیبی و اشعار او»، *گنج بازیافته*، تهران: خیام.
- رضایی باغبیدی، حسن (۱۳۹۳)، *سکه‌های ایران در دوره اسلامی*، تهران: سمت.
- شبانکاره‌ای، محمد بن علی (۱۳۸۱)، *مجمع‌الانساب*، ج ۲، تهران: امیرکبیر.
- عتبی، ابی‌نصر (۱۳۷۴)، *تاریخ یمینی*، ترجمه جرفادقانی، تصحیح جعفر شعار، تهران: علمی و فرهنگی.
- عنصرالمعالی، کیکاووس بن اسکندر (۱۳۹۵)، *قابوس‌نامه*، به اهتمام غلامحسین یوسفی، تهران: علمی فرهنگی.
- عنصری، ابوالقاسم (۱۳۶۳)، *دیوان اشعار*، به تصحیح محمد دبیر سیاقی، تهران: سانی.
- عوفی، محمد (۱۳۲۴)، *جوامع الحکایات*، تصحیح ملک الشعراء بهار، تهران: وزارت فرهنگ.
- فارسی، عبدالغفار (۱۴۰۳ق)، *تاریخ نیشابور*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- فرخی سیستانی، ابوالحسن (۱۳۱۱)، *دیوان اشعار*، به کوشش علی عبدالرسولی، تهران: مجلس.

- گردیزی، عبدالحی (۱۳۶۳)، *زین الاخبار*، تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران: دنیای کتاب.
- مختاری غزنوی، عثمان (۱۳۳۶)، *دیوان اشعار*، به کوشش رکن‌الدین همایون، تهران: مؤسسه مطبوعاتی علی اکبر علمی.
- مرعشی، ظهیرالدین (۱۳۴۵)، *تاریخ طبرستان، رویان و مازندران*، تصحیح محمدحسین تسبیحی، تهران: مؤسسه مطبوعاتی شرق.
- مستوفی، حمدالله (۱۳۶۴)، *تاریخ گزیده*، تهران: امیرکبیر.
- منشی کرمانی، ناصرالدین (۱۳۶۲)، *سمط العلاء للحضرة العلیاء*، تصحیح عباس اقبال، تهران: اساطیر.
- نظام‌الملک، ابوعلی (۱۳۷۸)، *سیاست‌نامه*، تهران: علمی و فرهنگی.
- نظامی عروضی، احمد (۱۳۶۴)، *چهار مقاله*، تهران: امیرکبیر.
- هندوشاه، محمد قاسم (۱۳۸۷)، *تاریخ فرستنه*، تصحیح محمدرضا نصیری، تهران: آثار و مفاخر فرهنگی.

#### مقاله‌ها

- یوسفی، جمیله و حسن‌زاده، اسماعیل، «بحران اقتصادی غزنویان و تأثیر آن بر بی‌ثباتی نظم سیاسی»، *تاریخ ایران*، ۱۳۹۷، ش ۱.

#### منابع لاتین

- Bosworth, C. E, “A Turco — Mongol Practice amongst the Early Ghaznavids”, *Central Asiatic Journal*, VII, 1962.
- Davidovich, E.A, and A.H Dani (1998), “Coinage and the Monetary System”, in *History of Civilization of Central Asia*, Vol IV, Publishing UNESCO.
- Lane Poole, Stanley (1889), *Catalogue of Oriental Coins in the British Museum*, VOL IX, London, Longmans.
- Nazim, Muhammad (1931), *the Life and Times of Sultan Mahmud Ghazna*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Shafiuzzamman (2013), “A Study of Generalship of Mahmud of Ghazni With Special Reference to His Indian Campaigns”, *Thesis Submitted for the Degree of Doctor of Philosophy in Military Science*, Devi Ahila University Indore India.

- Sparavigna, Amelia Carolina, “some notes on the Greshams law of money circulation”, *Internashional Journal of sciences*, V. 3. 2014.
- Thomas, Edward, “on the coins of the kings of Ghazni”, *The Journal of the royal Asiatic Society*, Vol. 9. 1847.